

تأثیر تنبیه بر یادگیری دانش آموزان

زهرا شریفی^۱، نگین دستاران^۲، مهسا رستمی^۳^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی (دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی ارومیه)^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی (دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی ارومیه)^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی (دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه طباطبایی ارومیه)

نویسنده مسئول: زهرا شریفی (zahrasharify8080@gmail.com)

چکیده: تشویق و تنبیه به عنوان دو رکن مهم در آموزش و پرورش در کنترل و تعدیل رفتار دانش آموزان بسیار تأثیرگذار است. معلمان از تشویق و تنبیه برای برانگیختگی استعداد های دانش آموزان و سرکوب رفتارهای نادرست آن ها استفاده می کنند هدف از پژوهش حاضر بررسی تنبیه به عنوان یک مولفه تربیتی بسیار موثر در تعلیم و تربیت بر یادگیری دانش آموزان است، مطالب گردآوری شده به صورت کتابخانه ای و با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. نتایج نشان می دهد که فلاسفه و روانشناسان ضمن معرفی تنبیه به عنوان یک اهرم تربیتی، با تنبیه بدنی جز در موارد خاص مخالف بوده و آن را عامل تضعیف روحیه و عزت نفس دانش آموزان می دانند و تعدادی از آن ها برای تنبیه جایگزین های دیگری معرفی کرده اند همچنین برای تنبیه شرایط و آدابی را ضروری دانسته اند.

کلمات کلیدی: تنبیه؛ تشویق؛ آموزش و پرورش؛ یادگیری**مقدمه**

از امروزه در اغلب کشورها تعلیم و تربیت به عنوان صنعت رشد قلمداد می شود. در عصر ما قدرت و توانایی بالقوه تعلیم و تربیت جهت ترقی و پیشرفت، آشکار شده است. کشورهایی که آگاهانه، تعلیم و تربیت را به خدمت گرفته اند موفق شده اند در رسیدن به هدف های خود این قدرت را بالفعل سازند و تغییرات مطلوب را در عرصه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود آورند. البته هدف کلی تعلیم و تربیت در هر جامعه این است که افراد آن طبق الگو، اعتقادات، ارزشهای فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه بار آمده، به اعضای مفید و شایسته مبدل شوند. [1]

تشویق و تنبیه از مباحث تربیتی و اخلاقی است که به عنوان ابزارهای کمکی نقش مهمی در تربیت کودکان دارند. با تشویق کودکان رغبتی در درون آن ها ایجاد می شود که به انجام رفتار مطلوب راغب تر می شوند و در جهت دهی آن ها به هدف و مقصد شان مؤثر است و با تنبیه کودک او را هشیار می کنیم که راه و روشی که در پیش گرفته، اشتباه است و باید بر گردد. [2] این مقاله سعی دارد در ابتدا تعریفی از تشویق و تنبیه را ارائه دهد، سپس مروری بر خلاصه دیدگاه صاحب نظران تعلیم و تربیت در امر مذکور دارد تا خواننده را به طور مختصر با سوابق و قلمرو نظریه های مربیان بزرگ آموزشی در زمینه ی تشویق و تنبیه آشنا سازد. آشنایی با آرای متفکرانی که تعلیم و تربیت از اندیشه های آنان مایه گرفته است موجب خواهد شد که فعالیت های تعلیم و تربیتی در مدارس برای برنامه ریزان و معلمان معنی دار شود. [3] تشویق، واژه ای عربی از باب «تفعیل» و ماده ی «شوق» است. تشویق به معنای به شوق آوردن و راغب کردن به چیزی و کسی را در امری ستودن و به چیزی دلگرم کردن است. تشویق در اصطلاح به این معناست که چون شوق نتیجه ی دریافت محبت است، تشویق را می توان هرگونه رفتار یا عملی دانست که کسی برای خوشایند دیگری انجام می دهد. تشویق، رهاورد به کار بستن راه کاری تربیتی است که برای ایجاد، اصلاح یا تثبیت یک رفتار صورت می گیرد. [4]

تنبیه، واژه ای عربی است از باب «تفعیل» و ماده ی «تَبَه» است. تنبیه به معنای آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، سیاست کردن و چوب زدن است. [5] تنبیه در اصطلاح به این معناست که مربیان برای کاستن از احتمال انجام رفتاری خاص، از سوی شاگرد، به کارهایی دست می زنند تا زمینه های انجام آن رفتار را در وی از بین ببرند. [6]

۱. پیشینه تشویق و تنبیه

باید گفت تشویق و تنبیه برای تربیت و اصلاح نسل ها و بازداشتن آنان از لغزش و خطا و ترغیب به انجام رفتار نیک و شایسته از آغاز پیدایش جامعه های انسانی هم پای انسان دگرگون شده و در تاریخ به صورت های گوناگون، تجلی یافته است. انسان در آغاز از تشویق و تنبیه برای رام کردن حیوانات بهره می گرفت. برای نمونه، هنگام نزدیک شدن به حیوانات وحشی، با دادن غذا و علوفه و نوازش، آن ها را رام می کرد. هم چنین برای بهره برداری بهینه از حیوانات رام شده، به پرورش آن ها می پرداخت و با به کار بستن تشویق و تنبیه، آن ها را به کارهای گوناگون وامی داشت. سپس از تشویق و تنبیه برای پرورش و اصلاح فرزندان و انسان های دیگر بهره گرفت. به کار بستن تشویق و تنبیه در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده است. گروهی، تشویق را اصل و اساس پرورش و تنبیه را کاری ناستوده می پنداشتند. در مقابل، گروهی دیگر، تنبیه را اصل می دانستند و بر این باور بودند که باید خطاکار را با ضرب و جرح، ادب کرد، هر چند کودک باشد. با اندکی دقت در آثار بر جای مانده از تمدن های کهن به راحتی می توان به پی آمدهای به کار بستن این شیوه های نادرست پی برد. [7]

۲. دیدگاه صاحب نظران تربیتی

۱.۲. سقراط، افلاطون و ارسطو

سقراط، افلاطون و ارسطو تحول عقلی و اخلاقی را در تربیت اصل قرار داده و تنبیه را صرفاً به منظور اصلاح و کمال بشر جایز دانسته اند، آنها تمهیداتی در این جهت به کار بسته اند که در شیوه های تربیتی این زمان نیز مورد توجه می باشد. افلاطون با توجه به اهمیتی که به مربی و متربی می دهد خود از زاویه ی خاصی به مقوله تربیت می نگرد و بر لزوم جنبه ی هشدار دهنده آن توجه می کند و بر این باور است که تنبیه مبتنی بر خشم و انتقام جویی متربی را در جایگاه شایسته او نمی نشاند و اثر عکس دارد. [8]

۲.۲. کمنیوس و لاک

کمنیوس با تاکید بر اندیشه هایی که با روش و روال آموزشی زمان وی (قرن هفدهم) بس ناسازگار بود، در کوره راهی گام نهاد که با گذشت زمان به شاه راهی بدل شد. کمنیوس هر نوع تنبیه انتقام جویانه را زیر سوال برد و در مقابل، شناخت کودکان و توجه به تفاوت آن ها را با در نظر گرفتن جنبه های رشد جسمی و روانی آنها مطرح می کند. جان داک ضمن همسویی با مربیانی که نگرش منفی نسبت به تنبیه دارند، جز در مواردی نادر، با تنبیه جسمانی مخالف است. او در تعلیم و تربیت، معتقد به وجود استعداد های ذاتی و کشف و شکوفا ساختن آنها تا مرزی است که فرد کشش آن را داشته باشد. [3]

۳.۲. ژان ژاک روسو

یکی از روش های دیگری که ژان ژاک روسو بر اساس اصل پیروی از طبیعت مطرح می سازد «روش مجازات و پاداش طبیعی» است. منظور روسو از روش مذکور آن است که هرگز نباید اطفال را به منظور مجازات تنبیه نمود، بلکه باید همیشه مکافاتی و یا پاداشی را که می بیند نتیجه مستقیم و طبیعی کار زشتان و یا کار خوبشان باشد. [9] بنابراین روسو معتقد است که هیچ گونه تنبیهی نباید توسط بزرگترها صورت گیرد مگر تنبیهی که به طور اجتناب ناپذیر به واسطه تخلف، از ناحیه خود زندگی پیش می آید آنگاه که قوانین آن نقض می شود. [10]

۴.۲. هانریش پستالوزی

معتقد است ما باید فقط با پند و اندرز و از طریق کلمات، قلب ها و افکار را تسخیر نماییم مطمئناً این عقیده بسیار خوب است و البته تحت شرایط و وضعیتی مطلوب کاربرد مقدار مشخصی از تنبیه بدنی چاره ناپذیر است زمانی که کودکان سرسخت، لجوج و بی ادب می شوند. این تصور کاملاً اشتباه است که با استفاده از تنبیه بدنی حتی به کمترین مقدار، باعث کمتر شدن اعتماد کودکان می شود؛ زیرا تنها این موارد استثنایی نیست که عقاید و احساسات کودکان را شکل می دهد بلکه تاثیر اعمال هر روز و هر ساعت است که آنها را می سازد و رفتار ما را مورد قضا و تقرر می دهند. [11]

۵.۲. یوهان فریدریش هربارت و فریدریک فروبل

هربارت جزو نخستین کسانی بود که به اندیشه های پستالوزی گروید. فروبل مهمترین نظریه پستالوزی و روسو یعنی این اصل را که تربیت باید طبق طبیعت و مراحل و قانون های آن صورت گیرد، پذیرفت و به کار بست. از دیدگاه صاحب نظران مذکور، زمانی که کودک به آموختن و تجربه کردن علاقه داشته باشد، به طور خودجوش و پویا به فراگیری درس خواهد پرداخت و نیازی به وضع مقررات انضباطی سخت و تمهیداتی مانند تنبیه و مجازات نخواهد بود. آنان با چنین گرایشی برای تشویق دانش آموزان و ایجاد انگیزه در آنها صرف نظر از موقعیت های مختلف سود می جستند، آزاد گذاشتن آنها در فعالیت های کلاسی از جمله آن است. [3]

۶.۲. ایوان پتروویچ پاولف

بحث های مربوط به کاربرد تشویق و تنبیه به عنوان ابزارهای تغییر رفتار در جانوران و زبردستان از دیرباز مطرح بوده است. با این حال، نخستین کنکاش ها درباره ی تشویق و تنبیه و تقویت کننده های مثبت و منفی در پیدایش یا از بین بردن برخی رفتارها با پژوهش های ایوان پتروویچ پاولف (۱۹۳۶ - ۱۸۴۹) آغاز شد. پاولف در تبیین بازتاب های شرطی بر این باور است که تقویت فرآیند شرطی سازی سبب می شود پاسخ های بازتابی فرد به عرصه های گوناگون گسترش یابد. وی با طرح نظریه ی شرطی سازی کلاسیک مدعی شد که با دادن تقویت و شرطی کردن حیوان، رفتارهای بازتابی حیوان را می توان کنترل کرد. [7]

۷.۲. جان دیویی

دیویی به اولیای اطفال اعلام کرد، وقتی شرایط موجود در مدرسه به قدری خشک و به قدری دستوری باشد که مشابه آن ها را در خارج از مدرسه نتوان یافت، نظم صوری و آداب و تظاهر را می توان حفظ کرد. عادات سطحی را در زمینه توجه و اجبار می توان ایجاد نمود اما هیچ گونه قدرت ابتکار یا اراده و هیچگونه انضباط اخلاقی واقعی حاصل نمی شود [12] اگر یک دانش آموز بدون توجه به توصیه های معلم، دیگران را اذیت کند با اینکه فردی معمولی و از نظر روانی سالم

باشد، باز هم باید او را از بقیه جدا کرد و دیگر دانش‌آموزان را از جای خود نگاه کند و با آنها در ارتباط باشد. دانش آموز خاطی از همکاری و بازی با دانش‌آموزان دیگر منع، و بنابراین در ملحق شدن به آن‌ها حریص می‌شود و این مانند یک تلاش جدی و یک هدف اخلاقی است که کارا تر و بهتر از تنبیه (بدنی) و توصیه و سفارش معلم است. [13]

۷.۲. بوروس فردریک اسکینر و آلبرت بندورا

بوروس فردریک اسکینر (۱۹۹۰ - ۱۹۰۴) بررسی‌های گسترده‌ای درباره‌ی اثر تقویت‌کننده‌ی مثبت و منفی در رفتار آفرینی و فراخواندن رفتار جدید در حیوانات آغاز کرد. وی با گسترش دادن این یافته‌ها به قلمرو رفتار انسانی، در زمینه‌ی اثر گذاری تشویق و تنبیه بر رفتار انسان، دریچه‌ی تازه‌ای گشود. پژوهش اسکینر که به نام شرطی‌سازی کنش‌گر معروف شد، هم‌چنان ادامه پیدا کرد. اسکینر روانشناس رفتارگرا چنین عقیده دارد که تنبیه شدید کودکان و نوجوانان در قبال انجام رفتار نامطلوب ممکن است موقتا به حذف آن رفتار در کودک بینجامد ولی در بیشتر مواقع منجر به بروز رفتارهای جبرانی انتقام‌جویانه و ضد اجتماعی می‌گردد و یا مشکلات هیجانی دیگری را به بار می‌آورد. تنبیه‌هایی که معلمان بر کودکان روا می‌دارند از یک طرف مشکلات عاطفی و اختلالات رفتاری را موجب می‌گردد و از طرف دیگر در رابطه معلم و شاگرد آشفستگی ایجاد کرده و امکان بازسازی و ترمیم آن را مشکل و در مواقعی دور از دسترس می‌سازد. [7]

روش‌هایی که بندورا مطرح می‌کند عمدتاً مربوط به «تقویت و تنبیه» و «الگوگیری» است. او روش تقویت و تنبیه را در سه شکل مطرح می‌کند: «تقویت و تنبیه بیرونی»، «تقویت و تنبیه جانشین» و «خود تقویتی و خود تنبیهی». در «تقویت بیرونی» انتظار پاداش ضامن وقایع رفتار است. در «تقویت جانشینی» یا نیابتی تقویت و تنبیه مورد مشاهده به منزله تقویت و تنبیه برای مشاهده‌گر است. در فرآیندهای جانشین پیامدهای مشاهده شده رفتار در افزایش و کاهش رفتارها تأثیرات جدی دارد. البته بندورا معتقد است در این زمینه اثر بازدارنده‌ی تنبیه مشاهده شده از اثر وادارنده تقویت مشاهده شده، بیشتر است. این پدیده به طور ویژه در پرخاشگری از سوی بندورا به دفعات مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعات و بررسی‌ها مشاهده‌ی پرخاشگری همراه با تنبیه در مقایسه با مشاهده پرخاشگری همراه با پی‌آیند پاداش، بخش کمتری به پرخاشگری تقلیدی منجر شده است. [14]

اسکینر و بندورا به طور کلی شدیداً با تنبیه و به ویژه تنبیه بدنی مخالف بودند چرا که تنبیه بدنی موقعیت فردی و اجتماعی انسان را متزلزل می‌سازد. تنبیه نه تنها فرد را متوجه زشتی کارش نمی‌کند، بلکه شخصیت او را مضر ساخته و آسیب‌پذیری وی را افزایش می‌دهد. [15]

۳. تنبیه

تنبیه به جلوگیری یا کاستن قدرت فراوانی پاسخ نسبت به پیش از تنبیه و یا کاهش انجام رفتارهای احتمالی با ارائه محرک‌های ناخوشایند می‌انجامد. [16] تنبیه زمانی رخ می‌دهد که فرد رفتاری نامطلوب و یا مغایر با قوانین و مقررات را انجام دهد که با ارائه یک مجموعه محرک‌های ناخوشایند یا حذف محرک‌های مطلوب سعی بر آن داریم که رفتار نامطلوب را تضعیف یا خاموش کنیم. [17]

همه افراد در طول رشد و بالندگی خود روزانه در معرض انواع تشویق و تنبیه‌ها در سطوح و اشکال مختلف، به صورت ارادی یا غیر ارادی و مستقیم یا غیر مستقیم قرار می‌گیرند که اغلب از ماهیت آن مطلع نیستند. [18] و در واقع این تشویق و تنبیه‌ها عامل بیرونی و تأثیرگذار در فراگیری آداب و رسوم و فرهنگ و قوانین حاکم بر جامعه می‌باشد. [19]

۱.۳. انواع تنبیه

انواع تنبیه شامل تنبیه عام و خاص و تنبیه‌های رفتاری و تنبیه‌های بدنی می‌شود. تنبیه‌های رفتاری شامل نادیده گرفتن، سرزنش کردن و محروم کردن از عشق و علاقه‌ی خود، محروم کردن از امتیازمورد علاقه فرد و ترسانیدن او، منزوی کردن از گروه همسالان و همبازی‌هایش، توبیخ کردن و ناسزا گفتن و... می‌شود. [20] در خصوص تنبیه عام، اسکینر معتقد است که تنبیه در واقع ارائه محرک ناخوشایند و یا حذف محرک خوشایند از محیط و یا دور ساختن چیزی از ارگانیزم و دادن چیزی که فرد طالب آن نیست. [21] و تنبیه خاص ارائه پاسخ منفی و محرک آزاردهنده به یک موجود زنده به دنبال مشاهده یک رفتار ناخوشایند یا نامطلوب از وی است. [22]

تنبیه‌های بدنی همانند سیلی زدن یا کتک زدن یا لگد زدن در امر تربیت و پرورش کودک از مباحثی است که باعث بوجود آمدن اختلاف نظر و مناقشه بین صاحب نظران و روانشناسان تربیتی و اسلامی شده است. موافقان بکارگیری از تنبیه بدنی نظر بر این دارند که تنبیه بدنی به صورتی که به فرد آسیب و صدمه‌ای نرساند و با هدف آگاه‌سازی کودک از خطای مرتکب شده‌اش و ایجاد زمینه ترس و تهدید از شرایطی که فرد خاطی پس از انجام خطا در آن قرار خواهد گرفت، در طول رشد الزامی است و در نقطه مقابل عده‌ای معتقدند که تنبیه بدنی جزء یک روش خشن و نامطلوب که عوارض جبران‌ناپذیری در جسم فرد و ایجاد مشکلات روحی از قبیل اضطراب و پریشان‌حالی و پرخاشگری در کودک، هیچ‌گونه جنبه تربیتی ندارد و اثر آن نیز موقتی و گذرا است. [23] چرا که کودک به هیچ وجه قانع بر ترک رفتارش نمی‌شود و عموماً تصور او از تنبیه بدنی تخیله هیجانات عامل تنبیه‌کننده است نه بخاطر اشتباه مرتکب شده‌اش. ضمناً این دیدگاه را در عامل تنبیه شونده ایجاد می‌کند که در صورتی که فرد خاطی باشد مستحق دریافت پرخاشگری و خشونت از عامل تنبیه‌کننده است. و باعث جا افتادن این باور غلط در میان اولیا و مسئولان تربیتی می‌شود که تنبیه اثر بخشی زیادی دارد و به یک روش تربیتی مرسوم در خانواده‌ها و مدارس تبدیل می‌شود در حالی که بکاربردن این روش جز موارد نادر در تربیت کودک کاملاً بی‌فایده است. [18]

شایان ذکر است بکارگیری تنبیه بدنی در حوزه آموزش و پرورش از عواملی است که به روابط معلم و دانش آموز لطمه وارد می کند و باعث نفرت اندوزی دانش آموز از معلم و گاهی حتی منجر به ترک تحصیل دانش آموز می شود. طی پژوهش هایی که با افراد ترک تحصیل کرده انجام شده است، این نتیجه برآورد شده که عامل اصلی و رغبت آنان برای ترک تحصیل سرزنش، تحقیر و کتک کاری معلمان بوده است. به همین دلیل در بازنگری های دهه های اخیر تنبیه بدنی به هیچ وجه یک روش تربیتی محسوب نمی شود و استفاده از تنبیه بدنی در مدارس منع شده و انجام آن جرم محسوب می شود. [18]

۲.۳. نحوه اجرای تنبیه با اثرگذاری بیشتر

همان طور که با ادب و تشویق می توان رفتار مطلوب را در کودک تقویت کرد، با بی توجهی و رویگردانی و محروم کردن کودک از توجه و محبت خود و عدم تعلق پاداش به او و اجرای شرایط قبل و بعد از تنبیه می توان همان نتیجه را مشاهده کرد. اول اینکه در انجام تنبیه باید به سن کودک و توانایی های او توجه شود و علت انجام تنبیه باید برای کودک کاملاً مشخص و واضح باشد و فوراً زمانی که کودک خطایی را مرتکب شده تنبیه اعمال شود و به آینده موقوف نشود، مدت انجام تنبیه به نسبت سن کودک باید اتخاذ شود. تشویق و تنبیه باید به جا و به اندازه باشد و از حد نگذرد تا تاثیر آن کم رنگ شود. تنبیه باید دارای مراتب و مراحل باشد و در اشتباه اول، کودک مورد پرخاشگری و سرزنش قرار نگیرد و بهتر است عواقب کار به کودک آموزش داده شود تا از انجام آن جلوگیری شود و هر قدر توبیخ و کم توجهی ملایم تر و آرام تر باشد تاثیرش بیشتر از تنبیه های بدنی شدید خواهد بود در مقابل لجبازی های کودک باید قاطعانه رفتار شود و اجازه داده نشود که انجام تنبیه باعث فرار کودک از مسئولیت هایش شود. [20]

۳.۳. جایگزین های تنبیه

محروم کردن موقتی کودک از وسیله ی مورد علاقه اش بخاطر اشتباهی که انجام داده است. [18]

نادیده گرفتن و بی توجهی به کودک. [18]

رسیدن به مرحله اشباع و دلزدگی اجازه دهیم کودک یک خطا را به حدی انجام دهد تا از آن منجر شود و به طور کلی کنار بگذارد؛ مثلاً اجازه دهیم تا حدی که دوست دارد شیرینی بخورد بعد از خوردن آن سیر خواهد شد. [18]

رفتار های نامطلوب که به علت اقتضای سنی کودک رخ می دهد، نیاز به تنبیه ندارد چرا که با رشد کودک رفتارش به مرور زمان اصلاح خواهد شد. [18]

تقویت رفتار ناهنجار با رفتار مطلوب باگر کودک عادت به دروغ گویی دارد و در شرایطی که معمولاً دروغ می گفت دروغ نگوید، این رفتار او را تقویت کنیم. [18]

در مواردی باید رفتار اشتباه کودک را از ریشه شناسایی و حل کنیم. [18]

۴.۳. شرایط اخلاقی که هنگام تنبیه باید رعایت شود

اجرای هر گونه تنبیه باید با اجازه والدین دانش آموز و یا قیم قانونی دانش آموز صورت گیرد. [24]

تنبیه نباید به قصد انتقام یا تخلیه عصبانیت، عقده گشایی و یا سلطه بر کلاس و حفظ یا بدست آوردن مقبولیت که هیچ گونه ارزش تربیتی ندارد؛ صورت گیرد و فقط باید برای آگاه سازی و مصلحت دانش آموز انجام شود. [24]

در مدرسه دانش آموزان برای اولین بار در جمعی از همسالان یا دوستان خود قرار میگیرند پس هنگام تنبیه باید که از مقایسه دانش آموزان با یکدیگر و تخریب عزت نفس دانش آموزان در بین همسالانش جلوگیری شود. [24]

هنگام تنبیه فرد خاطی باید فقط کار اشتباهش مورد نکوهش قرار گیرد و از توهین به شخصیت او باید جلوگیری شود. [24]

تنبیه بدنی باید در اولویت آخر و در صورت نبود چاره استفاده شود و نباید هیچ گونه آسیبی به روحیه و جسم دانش آموزان وارد شود. [24]

تنبیه بهتر است به گونه ای اجرا شود تا از ایجاد روحیه پرخاشگری در فرد تا حد امکان جلوگیری شود. [24]

۴. بر یادگیری دانش آموز تشویق موثرتر است یا تنبیه؟

تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی هم در تعلیم و تربیت رسمی (مدرسه) و هم در تعلیم و تربیت غیر رسمی (خانواده) رایج هستند. معلمان به عنوان پیشروان نسل آینده ملت در آموزش رسمی و اولیا در آموزش غیررسمی در خانواده هر دو به تاثیر تشویق و تنبیه در فرایند یادگیری اعتقاد دارند. اما در انتخاب و اولویت یکی از این دو عامل اختلاف نظر وجود دارد، بارها مشاهده شده است که ولی یک دانش آموز از مدرسه به دلیل تنبیه فرزندش شکایت کرده است و یا برعکس بعضی از اولیا خواستار تنبیه فرزندانشان برای تامین خوشبختی او هستند. تشویق و تنبیه برای پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت ضروری هستند اما زمان به کارگیری این دو مولفه تربیتی نقش بسیار موثری در اثربخشی آن ها دارد. [25]

تشویق و تنبیه از ابزار های مهم والدین برای تربیت کودکان هستند. در روانشناسی و تعلیم و تربیت امر تشکیق و تنبیه یکی از عوامل و محرک های مهم یادگیری تلقی می شود. [26]

تشویق به عنوان یک راه مرسوم در آموزش و پرورش به دانش‌آموز این اطمینان را می‌دهد که رفتار او را همان گونه که هست می‌پذیریم. با تشویق کردن می‌توان جنبه‌های مثبت دانش‌آموز را به او نشان داد و عزت نفس و اعتماد به نفس دانش‌آموز را برای تقویت این جنبه‌ها بالا برد. تشویق اعتماد و باور دانش‌آموز را نسبت به خودش تقویت می‌کند و موجب آرامش روح و روان او میگردد [25]

تشویق نیروها و استعداد های دانش‌آموزان را به کار می‌اندازد و استقامت آنها را زیاد می‌کند و باعث تلاش بیشتر دانش‌آموز در کارهای فکری می‌شود و عادات مطالعه را در آنها شکل می‌دهد. با تشویق می‌توان پایدار ترین و موثرترین رفتار را در دانش‌آموزان شکل داد. تشویق دانش‌آموزان دوره ابتدایی با تشویق دانش‌آموزان دوره متوسطه متفاوت است، دانش‌آموزان دوره متوسطه تشویق غیر مستقیم به همراه با شوخی را بیشتر می‌پسندند و دانش‌آموزان ابتدایی تشویق مستقیم را بیشتر دوست دارند. در ارتباط با بکارگیری الفاظ مرتبط با تشویق هم باید دقت کرد و الفاظی را که با رفتار دانش‌آموزان منطبق است بکار برد و نباید به صورت کلی سخن نگفت. مثلاً جمله "چه دانش‌آموز خوبی" بدین معنا است که دانش‌آموز در تمام اوقات خوب بوده است و این جمله نادرست است چرا که دانش‌آموز قطعاً در تمامی اوقات رفتار درست و شایسته‌ای ندارد. همچنین تشویق باعث می‌شود تحمل سختی‌ها برای دانش‌آموز آسان گردد و دانش‌آموز به صورت فعال و پویا در مدرسه فعالیت کند. [27]

شبهه‌های گوناگون تشویق اعم از کلام زیبا، تحسین دیگران، تشویق‌های عاطفی و معنوی؛ کار نیک شمرده میشوند و عقل حکم میکند که باید از این کار نیک بهره برد. [28] پس از آن که تشویق و پاداش موثر واقع نشد باید از آخرین وسیله با حفظ مراتب استفاده کرد. تنبیه تنها برای جلوگیری از قبیاح نیست، بلکه موجب مبادرت به خیر است. [29]

اغلب اوقات ما تعریف نادرست و یک تصویر ذهنی غلط از تنبیه داریم و آن تعبیر به معنای خشونت و ناراحتی و نفرت است. در تنبیه دانش‌آموز رعایت اعتدال، میانه‌روی، رعایت عدالت، انصاف و پرهیز از افراط ضروری است. گاهی معلم یا والدین تنبیه را از جنبه تربیتی آن خارج می‌سازند و هدف شخصی را مد نظر قرار می‌دهند؛ برای مثال تنبیه ناشی از عصبانیت، کینه توزی، نشان دادن سلطه خویش و تنبیه برای مقبولیت اجتماعی از مواردی هستند که تنبیه را از مسیر تربیتی و اصلاحی خود خارج می‌سازند. [25]

تنبیه دارای شرایطی است که اگر به آنها توجه نشود عواقب بسیار بدی را در پی خواهد داشت؛ مثلاً تنبیه نباید به صورت مداوم باشد بلکه باید گاهی اوقات و بنا به ضرورت صورت گیرد و همچنین تنبیه باید به خاطر عمل دانش‌آموز انجام بگیرد نه به خاطر خود او. در تنبیه باید دقت، جستجو و علت‌یابی شود بدین معنا که اگر شرایط مساعدی فراهم آمد و دانش‌آموز عمداً از آن شرایط مساعد استفاده نکرد در این صورت مستوجب تنبیه است. عده‌ای از روانشناسان بر این عقیده هستند که کودکان و نوجوانان ممکن است در واکنش به تنبیه شدید به صورت موقت انجام رفتار نامطلوب را ترک کنند، اما در بیشتر مواقع آنها پس از گذشت مدتی به رفتارهای جبرانی انتقام‌جویانه و ضد اجتماعی روی می‌آورند و مشکلات هیجانی دیگری به بار می‌آورند. [27]

یافته‌ها نشان می‌دهد که تشویق و تنبیه هر دو عامل ایجاد رفتار مناسب و عزم و اراده در دانش‌آموزان است با این تفاوت که تشویق محرک و ترغیب‌کننده است و تنبیه بازدارنده از خطا و اشتباه است. تشویق و تنبیه با پاداش و کیفر صورت می‌گیرد، با بکارگیری صحیح هر دو عامل می‌توان مسیر تربیت دانش‌آموزان را هموار کرد؛ در واقع با تشویق و تنبیه مناسب، دانش‌آموزان از لغزش و انحرافات مصون می‌مانند. [30]

۵. جمع بندی

تشویق و تنبیه به عنوان یک مولفه تربیتی در تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی ضرورت دارد. صاحب نظران تعلیم و تربیت اصل را بر تشویق قرار می‌دهند و در صورتی که راه‌های تشویقی موثر واقع نشود تنبیه را به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد در عرصه آموزش و پرورش توصیه می‌کنند. تنبیه به عنوان عاملی بیدار کننده و بازدارنده از لغزش در صورتی که به صورت سنجیده و حساب شده و دقیق باشد، توانمندی‌ها و استعداد های دانش‌آموزان را در مسیری درست هدایت می‌کند. تنبیه به عنوان روش اصلاحی نسل بشر و بازدارنده آنها از خطا، پیشینه طولانی از زمان خلق انسان تا زمان کنونی را دارد و در طول زمان‌های گوناگون دچار دگرگونی شده است. فلاسفه در زمان‌های مختلف روش‌های گوناگونی را به عنوان روش مجازات و تنبیه معرفی و تعریف کرده‌اند. آنها تنبیه را به صورت عام و خاص و رفتاری و بدنی تعریف می‌کنند اما می‌توان با اطمینان گفت که بیشترین آنها با تنبیه جسمانی فرد جز در موارد نادر مخالف بوده و بر جنبه تربیتی و آگاهی‌بخشی تنبیه تاکید دارند زیرا معتقدند تنبیه بدنی باعث آسیب‌پذیری روحیه کودکان شده و اعتماد به نفس آنها را کاهش می‌دهد؛ اما حتی موافقان تنبیه بدنی نیز آن را فقط در صورتی صحیح می‌دانند که به فرد آسیب و صدمه‌ای نرساند و هدف آگاه‌سازی کودک باشد. تنبیه شرایط و آدایی دارد که اگر آن شرایط رعایت نشود عوارض بسیار جبران‌ناپذیری بر کودک تحمیل می‌کند. در تنبیه باید رابطه عاطفی معلم و شاگرد حفظ شود و همچنین باید دانست که استفاده مداوم از تنبیه تأثیرات آن را خاموش و تضعیف می‌کند.

منابع

- [1] امیر امینی خلف لو، م. (۱۳۹۷). بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه‌های مختلف فلسفی، سومین کنفرانس المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری: تهران. ۷-۱
- [2] جلالی نوبری، ح. (۱۴۰۰). بررسی انواع تشویق و تنبیه در تربیت کودک از دیدگاه اخلاق اسلامی. فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۴۳(۴۳): ۲۹-۶
- [3] دانش پژوه، ز. (۱۳۷۵). تشویق و تنبیه از دیدگاه متخصصان و نظریه پردازان تعلیم و تربیت. نشریه ی تعلیم و تربیت، ۲۰(۴۵): ۱۰۹-۸۳
- [4] دولتی، غ. ر. (۱۳۷۷). بررسی تشویق از دیدگاه اسلام. کارشناسی رشد. مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- [5] طوسی، ا. ا. (۱۳۷۷). روش‌های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن. کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.

- [6] نیت ل، گیج (۱۹۱۷). ترجمه خوبی نژاد (۱۳۷۴). روانشناسی تربیتی. مشهد: انتشارات پاز.
- [7] سیف، ع. ا. (۱۳۹۸). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات دوران.
- [8] شاولر، م. ترجمه ا. قاسمی (۱۳۵۱). استادان بزرگ تعلیم و تربیت. کمیسیون ملی یونسکو ایران با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- [9] روسو، ژ (۱۷۷۸). ترجمه ا. سمعی (۱۳۴۵). خیالپردازیهای تفریح گر انزواجو. تهران: انتشارات کتابخانه ایرانشهر.
- [10] Ulich, R. (1962). History of Educational Thought. New York: Harvard University, D. Van Nostrand Company.
- [11] کریم نژاد لالمی، ز. (۱۳۹۸). نقش تربیتی محبت از نگاه ملا احمد نراقی و هانریش پستالوزی. مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، (۲) ۳۶-۴۶.
- [12] Katherine C. (1963). MAYHEW et Anna C. EDWARDS, Lecole Deweg. New York, D Appleton-Century Company.
- [13] دیویسی، ج. ترجمه ا. ح. آریانپور (۱۳۴۱). مقدمه ای بر فلسفه آموزش و پرورش. تبریز: انتشارات شفق.
- [14] Bandura, A. (1973). Aggression: A social learning analysis. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- [15] دهانی، ه.، فضیلت، ه.، راشکی، ر.، عجم، م. (۱۳۹۶). بررسی روش تنبیه از نظر روانشناسان رفتارگر (بندورا و اسکینر). سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و مهندسی: بانکوک.
- [16] سیف، ع. ا. (۱۳۹۱). روانشناسی تربیتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام نور.
- [17] افشاری، ع. (۱۳۸۵). بررسی و نقش جایگاه تنبیه در آموزش و پرورش. مجله پیوند، (۳۲۰) ۴۳-۴۳.
- [18] نیکبخت، ف.، شفیعی، م.، شمس، م.، کاظمی راشنانی، م.، مویدی، م. (۱۳۹۵). تاثیر تنبیه بر یادگیری دانش آموزان. دومین همایش ملی روانشناسی و علوم تربیتی: شیراز.
- [19] احمدی، ع. ا. (۱۳۶۹). جامع نگرى در تشویق و تنبیه. مجله تربیت، (۷) ۳۶-۴۹.
- [20] فرید، س. (۱۳۹۴). بررسی نقش تنبیه در آموزش و پرورش، اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران: تهران.
- [21] سیف، ع. ا. (۱۳۷۴). تغییر رفتار و رفتار درمانی. تهران: انتشارات دانا.
- [22] سیف، ع. ا. (۱۳۸۵). روانشناسی پرورشی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- [23] گنجی، ح (۱۳۷۱). روانشناسی عمومی. تهران: انتشارات بعثت.
- [24] آذر دشتی، ه. (۱۳۷۴). جایگاه تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت. مجله تربیت، (۶) ۲۳-۲۷.
- [25] مسعودی راد، ا. ح.، بهنام، ر.، مسعودی راد، م. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی. مجله نخبگان علوم و مهندسی، (۴) ۶۷-۵۶.
- [26] جاویدان، ل.، صحافی، ف. (۱۳۹۴). بررسی تمایز تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی با سایر دیدگاهها. دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی: شادگان.
- [27] میرزایی، ث.، طرفه بیان، ح.، غفاری نیا، ر. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر تشویق بر میزان یادگیری دانش آموزان (مقطع ابتدایی). سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی: تهران.
- [28] فاضلی، ع. (۱۳۷۵). جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات فیض.
- [29] یهشتی، ا. (۱۳۹۲). اسلام و حقوق کودک. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- [30] آقنبرلو، پ. (۱۳۹۹). تاثیر تشویق و تنبیه بر اصلاح و تغییر رفتار دانش آموزان. مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات، (۱۱) ۱۲-۱.